کانون سراسری انجمن های صنفی مهندسان معمارایران
همایش بین المللی معماری،عمران و شهرسازی در هزاره سوم
تهران - تیر ماه ۹۴

((طبیعت در مدارس ،محیطی شاداب تر ، یادگیری بهتر))

تبیین نقش طراحی فضای سبز در محیط مدارس بر فرایند یادگیری دانش آموزان

مرتضی حسنی کبوترخانی[۱*]، پرویز پورامین زاده[۲]،طبیه رنجبر کبوترخانی[۳] ، منصور شیخ پور[۴]

۱. کارشناس ارشد معماری ،دانشگاه آزاد واحد علوم وتحقیقات کرمان
۲. کارشناس ارشد معماری ،دانشگاه آزاد واحد علوم وتحقیقات کرمان
۳. کارشناس آموزش ابتدایی ،دانشگاه آزاد کرمان ،دبیر مدارس ابتدایی ناحیه یک کرمان
۴. کارشناس امتحانات ،اداره آموزش و پرورش ناحیه یک کرمان

چکیده :

ظبیعت صدف وجود هستی است که خدا به انسان هدیه داده است سازگاری ابعاد وجودی طبیعت با بعد روحی و روانی انسان و از طرف دیگر هم سویی آن با بعد جسمانی شرایط بهینه را برای انسان فراهم می سازد .علوم انسانی در حقیقت چیزی جز کشف گوشه ای از طبیعت پیرامون مانیست هر علمی که ما با آن سر و کار داریم یا در طبیعت وجود دارد و یا از طبیعت بهره می برد علم روانشانسی نیز از این موضوع مستثنی نیست همسویی روانشناسی مدرن با ابعاد وجودی انسان او را بر آن می دارد که بررسی روش های رسیدن به آرامش روانی و جسمانی بپردازد و در این موضوع طبیعت را می توان در بر گیرنده همه راه ها و روش های رسیدن به آسایش روانی در نظر گرفت زیرا هر چیز حتی انسان خود جزئی از طبیعت محسوب می شود.اما در این میان لطافت روانی کودکان و شخصیت کودکانه آنان می طلبد تا دیگران خصوصا پدر ومادر و در محیط مدرسه مربیان آموزشی زمینه رسیدن به آسایش و آرامش روانی را برای آنها فراهم کنند ولی باز این سوال به وجود می آید که رسیدن به آسایش روانی در محیط مدارس که محیط تعلیم و تربیت است چه تاثیری در یادگیری کودک که هدف اصلی محیط های آموزشی است دارد در این پژوهش بر انیم تا به بررسی روش های رسیدن به آرامش روانی در کودکان و به طبع آن تاثیر آنها بر یادگیری کودک پرداخته و از آنجا که عوامل زیادی در این موضوع تاثیر دارند با محدودکردن موضوع به طبیعت و تاثیر وجودی آن در محیط و فضای مدرس بر یادگیری کودکان به نتیجه مطلوب تر دست پیدا کنیم .

کلید واژه : طبیعت ، یادگیری ، معماری ، مدرسه

مقدمه :

مهمترین هدف نظام آموزشی یادگیری ، تعلیم وتربیت کودک است در این میان عوامل متعددی در فرایند یادگیری کودک موثر است که از جمله این عوامل می توان به موارد زیر به صورت تیتر وار اشاره کرد.ایجاد جوّ مناسب، صمیمی و فضای راحت در کلاس از مهمترین ارکان یادگیری می باشد که اضطراب و نگرانی یادگیرندگان را کاهش می دهد. باید به عقاید دانش آموزان احترام گذاشت.در تصمیم گیریهای خود از آنان نظر خواهی کنیم.اعتماد کردن به یادگیرندگان باعث رشد شخصیت آنها می شود.ابراز نظر در کلاس توسط فراگیران شور و شوق به یادگیری ایجاد می کند.باید به گونه ای عمل کرد تا دانش آموزان سرشار از هیجان و شادی شوند زیرا در این حالت سخت کوش ترند که می توان با استفاده از بیانات شورانگیز، عوامل شادی بخش مثل سرود،نمایش، بازی، سرگرمی، مسابقه و ... این جوّ را ایجاد کرد.

از طرف دیگر وجود فضای آموزشی همسو با تعلیم و تربیت در این میان نقش به سزایی ایفا می کند ارکان طراحی فضاهای آموزشی مانند طراحی کلاس راهرو ها ،نور و غیره تاثیر زیادی در میزان یادگیری دارند . در این میان نقش فضای سبز درمدارس زیادتر از ان چیزی که جلوه می کند می نماید که موضوع اصلی این پزوهش همین تاثیر گذاری فضای سبز بر یادگیری دانش آموزان است

سوالات پژوهش :

-یادگیری به معناست و چه عواملی در آن تاثیر گذارند ؟

-طبیعت و طراحی فضای سبز چه تاثیری بر دانش آموزان دارد ؟

- طراحی فضای سبز در مدارد که تاثیری در عوامل تاثیر گذار بر یادگیری دارد ؟

-در بهبود عوامل موثر در یادگیری با طراحی فضای سبز چگونه می توان میزان یادگیری را افزایش داد ؟

روش تحقیق:

این مقاله بر اساس پارادایم آزاد اندیشی از روش تحقیق ((تحلیلی و مقایسه ای)) انجام شده است

مبانی نظری تحقیق :

در مرحله اول منظور از یادگیری و عوامل موثر در آن بحث خواهد شد و سپس به تعریف طبیعت و مولفه های تاثیر گذار در ان می پردازیم در مرحله آخر به تاثیر گذاری طبیعت بر یاد گیری پرداخته می شود .

تعریف یادگیری:

بدون شک پدیده یادگیری، مهمترین پدیده روانی در انسان و موجودات تکامل یافته می‌باشد، به این دلیل که پایه و اساس بسیاری از مسائلی است که موجب می‌شود انسان از نظر روانی از سایر موجودات و دیگر همنوعان خود متمایز گردد. روان‌شناسی یادگیری یکی از مباحث بنیادی در علم روان‌شناسی می‌باشد که تحقیقات و بررسی‌های فراوانی را از سوی دانشمندان این علم به خود اختصاص داده و نظریات گوناگونی در خصوص آن عنوان شده است. اهمیت و ارزش یادگیری در نزد آدمی هنگامی نمایان می‌شود که ما را از تمام آنچه آموخته‌ایم محروم سازند. در این صورت با آنکه از نظر فیزیولوژیک، فردی بالغ و طبیعی خواهیم بود؛ اما از نظر مسائل روانی به دوره‌های کودکی برگشت خواهیم کرد.(قشلاقی ،۱۳۷۸، ۱)

یادگیری یکی از مهمترین زمینه‌ها در روان‌شناسی امروز و در عین حال یکی از مشکل‌ترین مفاهیم برای تعریف کردن است. در فرهنگ امریکایی هریتج(American Heritage Dictionary)

یادگیری این‌گونه تعریف شده است:

"کسب دانش، فهمیدن یا تسلط‌یابی از راه تجربه یا مطالعه."

اما بیشتر روان‌شناسان این تعریف را نمی‌پذیرند؛ زیرا در آن اصطلاحات مبهم دانش، فهمیدن و تسلط‌یابی به‌کار رفته‌اند. در عوض روان‌شناسان در سال‌های اخیر به تعریف‌هایی تمایل نشان داده‌اند که به تغییر در رفتار مشاهده‌پذیر اشاره می‌کنند. معروف‌ترین این تعریف‌ها تعریفی است که به وسیله کیمبل(Kimble) پیشنهاد شده است. کیمبل یادگیری را این‌گونه تعریف کرده است:

"تغییر نسبتا پایدار در توان رفتاری(رفتار بالقوه) که در نتیجه تمرین تقویت‌شده، رخ می‌دهد."

این تعریف هر چند بسیار معروف است اما به هیچ وجه مورد پذیرش همه روان‌شناسان نیست.(بی.آر.هرگن‌هان و میتو اچ.انسون ،۱۳۸۶، ۲۲)

حال این تعریف را با دقت بیشتری مورد بررسی قرار می‌دهیم:

۱- یادگیری تغییر در رفتار است. به سخن دیگر نتایج یادگیری همواره باید قابل انتقال به رفتار مشاهده‌پذیر باشد. پس از یادگیری، یادگیرنده قادر به انجام کاری خواهد بود که پیش از یادگیری نمی‌توانست آن را انجام دهد.(بی.آر.هرگن‌هان و میتو اچ.انسون ،۱۳۸۶، ۲۲)

۲- این تغییر رفتاری، نسبتا پایدار است؛ یعنی نه موقتی است و نه ثابت.(بی.آر.هرگن هان و میتو اچ.انسون ،۱۳۸۶، ۲۲)

این نکته در اصل به این منظور به تعریف یادگیری اضافه شده که بین یادگیری و رویدادهای دیگری که رفتار را تغییر می‌دهند مانند خستگی، بیماری و... تمایز ایجاد شود. بدیهی است که این رویدادها و آثار آنها به سرعت

می‌آیند و می‌روند، در حالی که یادگیری دوام می‌آورد تا اینکه با گذشت زمان دستخوش فراموشی شود، یا یادگیری تازه‌ای جای آن را بگیرد. بنابراین، هم حالات موقتی و هم یادگیری هر دو رفتار را تغییر می‌دهند، اما تغییر حاصل از یادگیری نسبتا پایدارتر است. (بی.آر.هرگن‌هان و میتو اچ.انسون ،۱۳۸۶، ۲۳)

۳- رفتاری: برای آنکه یادگیری از دید روان‌شناسان مقوله‌ای قابل توجه باشد باید نوعی تظاهر خارجی یادگیری در رفتار فرد وجود داشته باشد. اگر فردی چیزی را یاد بگیرد اما آن مطلب را به دلیل مخفی ماندن روی رفتار وی تاثیر نگذارد، یک روان‌شناس چگونه می‌تواند پی به یاد گرفتن آن مطلب ببرد؟ آنها صرفا می‌توانند رفتار را مشاهده کنند و از مشاهداتشان نتیجه‌گیری نمایند. (جان رابرت ،۹، ۱۳۸۰)

۴- تغییر در رفتار الزاما نباید بلافاصله بعد از تجربه یادگیری رخ دهد. اگر چه در نتیجه یادگیری در یاد گیرنده توانایی بالقوه متفاوت عمل کردن ایجاد می‌شود، این توانایی ممکن است بلافاصله در رفتار وی ظاهر نگردد.(مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ۱۳۹۰،. ۲۲) بنابراین روان‌شناسان تغییر خودبه‌خود در رفتار را نمی‌خواهند، بلکه فقط تغییر در توان برای رفتار را می‌خواهند.(سید محمدی ،۱۳۸۲)

۵- تغییر در رفتار(یا توان رفتاری) از تجربه یا تمرین ناشی می‌شود. (السون ، ۱۳۹۰،. ۲۲) پتانسیل‌های رفتاری به دلایلی غیر از یادگیری نیز تغییر می‌کنند. وقتی سن ما افزایش می‌یابد، بدن ما نیز تغییر می‌کند و پتانسیل ما برای رفتار عوض می‌شود. عنوان تجربه از آن روی انتخاب شده تا آن دسته از تغییرات رفتاری را که مدنظر نظریه‌پرداز یادگیری است از آن دسته که مورد نظر وی نیست، جدا شود.(اندرسن ، ۱۳۸۰، ص ۱۱)

۶- تجربه یا تمرین باید تقویت بشود؛ یعنی اینکه تنها پاسخ‌هایی که به تقویت می‌انجامد آموخته شود. (السون ، ۱۳۹۰،. ۲۲) بنابر تعریف کیمبل، یادگیری از تمرین یا کوشش تقویت‌شده به دست می‌آید. به دیگر سخن، تنها رفتار تقویت‌شده آموخته می‌شود. (السون ، ۱۳۹۰،. ۳۰)

واما عوامل تاثیر گذار بر یادگیری کدامند ؟

عده‌ای تصور می‌کنند که اگر شاگردی در کلاس معینی ثبت‌نام کند، یا بهره هوشی او بهنجار و بالای بهنجار باشد و یا متعلق به یک خانواده مرفه و اهل فضل و دانش باشد، می‌تواند مطالب مربوط به آن درس را به آسانی یاد بگیرد. اما روان‌شناسان براساس آزمایش‌ها و تجربه‌های گوناگون دریافته‌اند که تا یادگیرنده شخصا آمادگی لازم را نداشته باشد نمی‌تواند چیزی را بیاموزد. در واقع شرایط لازم یا آمادگی شاگرد برای یادگیری، یکی از بنیادی‌ترین پایه‌های یک آموزش و پرورش پویا و پیشرو است. زیرا اکثر روان‌شناسان آمادگی را کیفیتی می‌دانند که لازمه آن، رشد مطلوب بدنی و روانی یادگیرنده است.(پارسا ،۶،۱۳۸۵)

عوامل زیادی در یادگیری موثر هستند که عبارتند از:

۱- هدف

هدف، یکی از شرائط بنیادی و موثری است که موجب برانگیختن شاگردان به یادگیری می‌شود. وقتی شاگردی به خوبی بداند که هدف از آموختن یک ماده درسی چیست، علاقه او به یادگیری افزایش می‌یابد و کوشش او دو چندان می‌شود. شیوه‌هایی که برای رسیدن به هدف برگزیده می‌شوند را می‌توان دلیلی بر شدت و درجه علاقه شاگردان دانست. (پارسا ،۱۳۸۵،۶)

۲- انگیزش

هر کس فعالیتی را دوست داشته باشد به آن گرایش پیدا می‌کند. لذا طبیعی به نظر می‌رسد که انسان بعضی چیزها را دوست داشته و از بعضی چیزها نیز متنفر باشد. مساله انگیزش می‌تواند قلب یک برنامه تربیتی سالم در اجتماع باشد. تحریک برای یادگیری ضروری است و می‌تواند زمینه‌ساز رفتار اصلی نیز باشد که شرط و عامل عمده یادگیری است. وجود انگیزه نه فقط برای آغاز یادگیری لازم است بلکه جهت ادامه و تقویت آن و حل مشکلاتی که به وجود می‌آید و یا کاربرد آموخته‌ها در اوضاع تازه، لازم می‌شود.(اکبری ،۱۳۸۲،۹۳)

۳- رشد طبیعی و آمادگی

منظور از رشد طبیعی یا رسش، یک رشته دگرگونی‌های رشد بدنی و روانی است که بر اثر وراثت و مرور زمان پدید می‌آید و یادگیری در آن دخالتی ندارد. اما باید دانست که رشد طبیعی هر شاگرد در هر دوره سنی تاثیر خاصی در یادگیری او دارد. در واقع رشد طبیعی بیانگر این امر است که یادگیرنده برای نوعی آموختن یا قبول مسئولیت به آن درجه از رشد بدنی و روانی رسیده است که می‌تواند کار خاصی را انجام دهد. روان‌شناسان معتقدند که رفتارهای آدمی بر اثر رشد طبیعی و یادگیری به دست می‌آیند یا دگرگون می‌شوند. رشد طبیعی که زمینه‌ساز یادگیری است برای دست یافتن به یک هدف نهایی به‌کار می‌رود و باید از مرحله‌های مختلفی بگذرد.(روان‌شناسی یادگیری، ص ۷)آمادگی شرط مهم فراگیر است؛ یعنی اینکه فرد رشد کافی در زمینه‌های مختلف داشته باشد و هنگامی فرد می‌تواند افکار، عادات و مهارت‌های معینی را بیاموزد که در زمینه بدنی، اجتماعی و از نقطه نظر عقلانی عواطف از رشد متناسبی برخوردار باشد. اصل آمادگی سنی فقط برای کودکان نیست، بلکه برای نوجوانان و جوانان نیز است.(سیف ، ۱۳۷۰، ص ۹۰)

۴- هوش

یکی دیگر از عوامل موثر در یادگیری، هوش است. با وجود پژوهش‌های فراوانی که درباره هوش صورت گرفته و اهمیتی که هوش در مسائل یادگیری داراست هنوز یک تعریف جامع و قابل پذیرش برای همه روان‌شناسان وجود ندارد.(طالب لو، ۱۳۸۹،ص ۸)

۵- حافظه

پس از هوش، حافظه یکی دیگر از عوامل یادگیری و بازیافت مطالب است. وقتی محرکی از طریق حواس وارد دستگاه عصبی می‌شود، از طریق حافظه کوتاه‌مدت و به یاری توجه و تکرار به حافظه درازمدت سپرده می‌شود. .(طالب لو، ۱۳۸۹، ص ۱۰)

۶- اهمیت توجه

در اکتساب و یادگیری، توجه نقش بسیار موثر و کارسازی را به عهده دارد. بدین معنا که میزان یادگیری و حفظ مطالب به درجه شدت توجه بستگی دارد. هر چه توجه بیشتر باشد یادگیری و بازیافت آن زیادتر خواهد بود. توجه به معنای دقیق کلمه عبارت است از تمرکز دادن همه نیروهای حسی فرد به داده‌ها یا درون‌داده‌های اطلاعاتی است که از دو مرحله تشکیل یافته است.

مرحله نخست شامل تمرکز دادن یادگیرنده به همه جنبه های برجسته و نمایان آن چیزهایی است که او باید بیاموزد یا مساله‌ای که باید حل کند. مرحله دوم توجه، حفظ تماس با کیفیت‌های برجسته کار یا مساله است. .(طالب لو، ۱۳۸۹، ص ۱۱)

۷- پاداش و تقویت

در نظریه‌های محرک – پاسخ و گونه‌های مختلف آنها، هنگامی رابطه میان محرک و پاسخ برقرار می‌شود که یک عامل تقویتی یا پاداش در کار باشد. این پاداش برای جانوران و کودکان آدمی بیشتر مواد خوراکی و برای بزرگسالان به صورت‌های دیگری جلوه می‌کند. در این دسته از نظریه‌ها اگر پاسخی که بر اثر بروز محرک ایجاد شده است به وسیله پاداش یا عامل تقویتی تحکیم نشود پس از مدت اندکی از بین می‌رود و انتظار ایجاد هیچ‌گونه رفتاری را نمی‌توان داشت. .(طالب لو، ۱۳۸۹، ص ۱۱)

۸- تنبیه و اضطراب

تنبیه را بعضی از روان‌شناسان تربیتی به عنوان یک عامل موثر در یادگیری به‌کار می‌برند. اما این عامل از دیدگاه روان‌شناسان یک تقویت‌کننده منفی است و به اهمیت و تاثیرگذاری آن چندان اعتماد نیست. در واقع چون یادگیرنده از حضور تقویت منفی در صحنه یادگیری دلخوش نیست، برای دور نگهداشتن آن می‌کوشد پاسخی بدهد که حضور تقویت منفی لزومی نداشته باشد. همان طور که پاداش باید بی‌درنگ پس از رفتار مطلوب داده شود، تنبیه نیز باید هر چه زودتر به‌کار رود تا نتیجه‌بخش باشد. به این سبب اگر بخواهیم تنبیه کارساز باشد باید با سنجیدگی و هوشمندی انجام پذیرد. زیرا تنبیه نابجا و نادرست به جای اینکه موثر واقع شود، ممکن است نه تنها بی‌تاثیر، بلکه زیان‌آور هم باشد. .(طالب لو، ۱۳۸۹،ص ۱۲)

۹- تمرین و پرآموزی

تمرین عبارتست از تکرار آموخته‌ها به منظور یادگیری بهتر و پایاتر است. رفتارگرایان معتقدند که تمرین پیوند بین محرک و پاسخ را تثبیت می‌کند. اگر بخواهیم تمرین در پیشرفت‌های درسی موثر باشد به اعتقاد درویل(Derville) باید به موارد زیر توجه نمود:

- راهنمایی در آغاز کار و آگاهی از ارتباط اجزای درس با یکدیگر
- اطلاع از کارکرد و پیشرفت خود
- متناسب بودن زمان تمرین
- متناسب بودن طول دوره تمرین
- اهمیت تمرین سراسری: در تمرین سراسری اجزای یک واحد آموزشی با هم ارتباط پیدا می‌کنند و یک مجموعه یا معنا، شادی‌بخش و کارساز را به وجود می‌آورند.
- اجرای تمرین در شرایط طبیعی محیط.(طالب لو، ۱۳۸۹، ص ۱۳)

۱۰- تجربیات قبلی

پایه و اساس فهم و بصیرت، ادراک حسی و یادگیری تجربیات قبلی است. آمادگی فرد نیز در حد زیادی از تجربیات قبلی متاثر است که در برخورد با محیط و سازگاری با آن، تجربیات حسی به کمک فرد می‌شتابد. فهم و بصیرت هنگامی حاصل می‌شود که فرد برای درک ارتباط میان اجزای یک امر یا یک موقعیت از تجربیات گذشته خود استفاده نماید و آن تجربیات را در عمل مورد استفاده قرار دهد.(سیف ، ۱۳۷۰ ، ص ۹۰)

حال که با تعریف یادگیری و عوامل موثر در آن آشنا شدیم نوبت به بعد دوم پژوهش یعنی طبیعت است در ابتدا به تعریف طبیعت و معیار های تاثیر گذار طبیعت می پردازیم و سپس به بررسی تاثیر گذاری طبیعت در یادگیری دانش آموزان به عنوان نتیجه پژوهش می پردازیم

تعریف طبیعت :

معمولا در مورد بی جان ها لغت "طبیعت" یا "طبع" به کار برده می شود. البته در مورد جاندارها هم به کار برده می شود، ولی در مورد بی جان ها این لغت اختصاصا به کار برده می شود. مثلا ما می گوییم که طبع آب چنین است.(مطهری،۱۳۶۲ ، ۲۹-۳۱)

وقتی می خواهیم خاصیتی از خواص این موجود بی جان به نام آب را بیان کنیم می گوییم طبع آب چنین است یا می گوییم طبیعت اکسیژن چنین است که قابل احتراق است، طبیعت هیدروژن و ازت چنین است و برای اشیاء به اعتبار خواص گوناگونی که دارند ویژگی هایی ذاتی قائل می شویم.

اسم ویژگی ذاتی، شی ء بی جان را "طبیعت" می گذاریم. این ناشی از یک فکر فلسفی است که در همه افراد بشر هست، یعنی بشر این طور فکر می کند که دو شی ء متساوی از هر جهت، نمی توانند خواص گوناگون داشته باشند. . (مطهری،۱۳۶۲ ، ۲۹-۳۱)

اگر خواص، گوناگون شد دلیل بر این است که تفاوت ها و چند گونگی هایی بین این دو شی ء هست. چون بشر اشیاء را از بعضی جهات متساوی می دیده و مشاهده می کرده است که چند شی ء در عین اینکه همه جسم و ماده هستند خواصشان گوناگون است مثلا می دیده که آب یک جسم و یک ماده است، خاک هم یک جسم و یک ماده است.

ولی هر کدام از اینها خواص مخصوص به خود دارند که دیگری ندارد ناچار اینطور نتیجه گیری می کرده که یک قوه و نیرویی و یک خصوصیتی در این جسم نهفته است که منشأ این خاصیت مخصوص شده و یک خصوصیت دیگری در دومی نهفته است که منشأ خواص مخصوص به آن شده است و آن خصوصیتی که منشأ اثر خاص می شود اسمش "طبیعت" است. (مطهری،۱۳۶۲ ، ۲۹-۳۱)

امروز هم ما این کلمه را در همین موارد به کار می بریم، مثلا می گوییم طبیعت گیلاس این است یا طبیعت فلان درخت این است که در سرما طاقت دارد و در گرما از بین می رود و طبیعت فلان درخت دیگر این است که در منطقه گرمسیر می تواند به حیاتش ادامه دهد و غیره. البته طبیعت را در غیر بی جان یعنی در جاندارها مثل گیاهان و حیوانات و انسان هم به کار می بریم ولی در آن جنبه هایی که با بی جان ها مشترکند، چون جاندارها آنچه را که بی جان ها دارا هستند دارا می باشند ولی چیزهایی دارند که بی جان ها ندارند. (مطهری،۱۳۶۲ ، ۲۹-۳۱)ولی آنچه امروزه بیشتر اط طبیعت بیان می شود مفهوم محیط طبیعی ماست،ما به محیط پیرامون خود که سر شاز از عناصر طبیعی است طبیعت می گوییم.

تاثیر طبیعت بر یادگیری :

برای بررسی تاثیر گذاری طبیعت بر قدرت یادگری لازم است تاثیر ان را بر عوامل موثر در یادگیری و مولفه های یادگیری مورد بررسی قرار دهیم به این منظور ابتدا هر یک از عوامل موثر بر یادگیری را از نظر تاثیر پذیری از طبیعت مورد بررسی قرار می دهیم

۱–تاثیر طبیعت در ایجاد هدف و انگیزش :

در حقیقت تاثیر طبیعت در اینجاد هدف در افراد را می توان در موارد زیرخلاصه کرد

الف : الگو گرفتن فرد از هدف دار بودن طبیعت

انسان در همه موارد سعی می کند از محیط اطراف خود بهره برده و ان را درجهت بهتر کردن زندگی خود استفاده نماید طبیعت که ساخته و پرداخته ذات اقدس الهی است الگویی مناسب برای انسان است با نگاهی گذرا به طبیعت پیرامون و پیچیدگی ها و زیبایی های موجود در آن به این نکته دست خواهیم یافت که همه اجزای موجود در طبیعت هدف دار بوده و از هر پوچی و بیهودگی به دور است هدف دار بودن طبیعت برای انسانی که خود جزعی از طبیعت پیرامون به حساب می آید دلیلی برای هدف دار بودن زندگی اوست انسانی که طبیعت را الگوی خود قرار می دهد سعی می کند زندگی هدف داری داشته باشد و از طرف دیگر هر حرکت در طبیعت حساب شده و به جاست یعنی به هدفی خاص منجر می شود و این خود انگیزش موجود در طبیعت را می رساند دانش آموزی که در محیط اطراف خود طبیعت را مشاهده می کند پی به هدف دار بودن جهان هستی می برد و می داند خود نیز بیهوده آفریده نشده است پس سعی می کند زندگی خود را هدف دار کند

ب:تاثیر طبیعت بر روان انسانی و ایجاد الگیزش

امام صادق (ع) : "این دو (گرما و سرما) باعث پایداری و استحکام بدنها می گردند. تأمل کن که چگونه یکی از آن دو به تدریج وارد دیگری می شود و آن دیگری اندک اندک کم می شود و دیگری آرام آرام افزوده می شود تا هر یک به منتهی درجه خود در فزونی و کاستی برسند؛ اگر یکی از آن دو ناگهان وارد دیگری می شد باعث بیماری و صدمه به بدن ها می شد".

فصل زیبای بهار با تغییرات شگرف در طبیعت همراه است . این تغییرات بر جسم و روان انسان نیز تاثیرگذار است. با ما همراه باشید تا از تاثیرات طبیعت بر انسان با سخن بگوییم .

انسان موجودی تأثیرپذیر است و شخصیت او علاوه بر عوامل ژنتیکی ، تحت تأثیر دو محیط قرار دارد: یکی محیط اجتماعی که شامل خانواده و مدرسه و دوستان می شود؛ و دیگری محیط جغرافیایی که شامل بلندی ها و پستی ها، کوه ها و دشت ها، چگونگی تابش نور خورشید و کیفیت آب و هواست. موقعیتهای جغرافیایی محیط زیست، هر کدام شرایط خاصی را در تن و روان آدمی فراهم می آورند. به عنوان مثال ابن سینا فیلسوف مسلمان ایرانی ، کوهستانی بودن منطقه سکونت انسان را سبب چالاکی و دلیری دانسته و بر این باور است که پستی منطقه سکونت، افسردگی و بیماری را در پی دارد. وی ساکنان مناطق مرتفع و کوهستانی را نیرومند و قوی بنیه می دانست. او همچنین مردم مناطق مرطوب را به زیبارویی توصیف کرده است و متذکر می شود که روحیه و حالات و رفتار مردم مناطق خشک کاملاً بر عکس حالات و رفتار مردم مناطق مرطوب است. مورخ مشهور ابن خلدون، نیز بر این باور

است که ساکنان مناطق معتدل که از حرارت سوزان و سرمای شدید در امانند از نظر خُلق و خوی و صورت و سیرت در اعتدال قرار دارند . افراط و تفریط در زندگی آنان کمتر و آبادانی و عمران در مناطق آنان بیشتر است.

تاثیرات طبیعت تا بدان حد است که با تغییر فصل های سال نیز جسم و روان انسان دچار تغییراتی می شود. به عنوان مثال تحقیقات نشان داده است که در فصل بهار کسانی که اختلالات روانی دارند، خُلق و خوی بهتر و طبیعی تری پیدا می کنند. تنوع رنگ‌ها در فصل بهار نیز بر روحیه و رفتار انسانها تاثیرگذار است. آسمان آبی، زمین سبز، گل های رنگارنگ و شکوفه های زیبا ، هر یک به تنهایی می توانند تاثیرات مطلوبی بر روح و حتی جسم انسان بگذارند. دکتر ابراهیمی مقدم روان شناس ایرانی می گوید :

" همان‌طور که دیده می‌شود چهار رنگ مهم یعنی آبی، سبز، قرمز و زرد، در فصل بهار به وفور در اطراف ما یافت می‌شود که این رنگ‌ها نیز خود تاثیرات چشمگیری بر روحیه و خُلق و خوی ما دارند. رنگ آبی آسمان احساس آرامش، رضایت، ملایمت طبع و عشق و محبت را به وجود می‌آورد. رنگ سبز حس تعلق و عزت نفس را بالا می‌برد. رنگ قرمز حس آرزومندی و امیدواری، هیجان‌پذیری و تمایلات خاص درونی را بر می انگیزد و بالاخره نور زرد رنگ خورشید و شکوفه‌های زیبا احساس سرزندگی، آینده‌نگری، نشاط و نیروی ابتکار را به وجود می‌آورد. رنگ‌های موجود در طبیعت بهاری موجب ایجاد حس خشنودی و محبت ، اظهار وجود، فعالیت ، موفقیت و امید می شوند که همگی از صفات پسندیده‌ای است که همیشه سعی در پرورش آنها داریم".

وقتی که روان و روح انسان درگیر و بیمار باشد انسان قدرت تصمیم گیری و انجام بسیاری از کار ها را ندارد زیرا ضعفی در وجود خود احساس می کند امام زمانی که روحیه و روان انسانی شاداب باشد باعث سرعت گرفتن امور و فعالیت های انسانی می شود و این همان هدف دار بودن زندگی انسان است

۲- تاثیر طبیعت بر رشد طبیعی و آمادگی انسانی

به طور قطع یکی از اموری که زمینه‌ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است، که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش بپردازد و اصولاً یکی از وظائف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیط سالم و زیبا امکان‌پذیر نیست. بدین سبب شرط اولیه داشتن روحی سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می‌شود که انسان از محیط زیست طبیعی سالم و دلگشا بهره‌مند باشد. محیط زیست طبیعی سالم تأثیر شگرفی بر روح و روان آدمی دارد. محیط پاک و آراسته و خرّم، زندگی را شاداب و معطر می‌سازد. شنیدن آواز روح‌بخش پرندگان، ترنم لطیف جویباران، آهنگ دلربای چشمه‌ساران، صفای سبز سبزه‌زاران، نسیم لطیف کوهستان، رقص دلنشین درختان و زیبایی شهر و دیار، همه و همه تأثیر اعجاب‌انگیزی بر زندگی و حیات انسان دارند. هر کسی از تماشای چنین منظره‌های زیبایی احساس آرامش و نشاط کرده و امنیت و آسایش را در حیات خویش لمس می‌کند. بر عکس، آسیب رساندن به محیط زیست و نابودی طبیعت باعث وارد آمدن صدمات و زیان‌های جبران‌ناپذیری به بشریت می‌شود. افسردگی و افزایش بیماری‌های روحی و روانی انسان امروز بدون ارتباط به آسیب رساندن به محیط زیست نیست. هیچ کس نمی‌تواند منکر بشود که تخریب محیط زیست تأثیر منفی بر شیوه رفتار آدمیان می‌نهد، و اثرات ویرانگری بر اخلاق فردی و جمعی جامعه بشری بر جای

می‌گذارد. آب و هوا، درختان و گیاهان، غذاها و میوه‌ها و به طور کلی طبیعت و محیط زیست نقش عظیمی در زندگی بشر دارند. سلامت محیط زیست بر هوش و استعداد و لیاقت‌های فردی اثر می‌گذارد و میانه‌روی در اخلاق و منش متأثر از میانه‌روی در محیط زیست است. ساکنان مناطق معتدل کره زمین، دارای ویژگی‌ها و روحیه‌های خاص هستند که مقایسه با جوامع ساکن در مناطق گرمسیر و سردسیر، از تفاوت بسیاری برخوردارند. محیط زیست افزون بر تأثیر در قد و قامت و چگونگی اندام ظاهری، بر فکر و اندیشه و اعمال و رفتار انسان دارای تأثیر شگرف است.(عبدالرحمان بن محمد، ۱۳۸۹ ، ص ۸۲)

قرآن‌کریم و روایات اسلامی فوائد بسیار آب، هوا، گیاهان و درختان را با تعبیرهای بسیار دقیق و گاهی شگفت‌انگیز برشمرده‌اند و از تأثیر به سزای آنها بر تن و روان آدمی سخن گفته‌اند. دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان نیز با توجه به طبیعت، از تأثیر حیرت‌آور آن بر جسم و جان انسان سخن‌ها گفته و در مقایسه با جامعه‌های مختلف بشری تأثیر فراوان طبیعت را بر اعمال و رفتار و فکر و اندیشه و نیز خصوصیات ظاهری انسان، تبیین و تشریح کرده‌اند. از این‌رو، در این نوشتار برآنیم تا با ذکر برخی از آیات و روایات و گفتار دانشمندان مسلمان و غیر مسلمان تأثیر محیط زیست طبیعی سالم بر انسان را مورد بررسی قرار دهیم. آثار روانی آب و هوا بر انسان از دیدگاه قرآن و روایات در آموزه‌های اسلامی از تأثیر طبیعت در انسان به گونه‌های مختلف، سخن به میان آمده است، چنان‌که قرآن‌کریم درباره اثر محیط زیست می‌فرماید: «و البلد الطیب یخرج نباته باذن ربّه و الذی خبث لایخرج الاّ نکدا...؛(سوره اعراف، آیه ۵۸) سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بدطینت و شوره‌زار، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید.» از این آیه شریفه استفاده می‌شود همان طور که طبیعت و سرزمین پاک در رشد و پرورش بهینه گیاهان مؤثر است، در رشد و تکامل انسان نیز مؤثر می‌باشد، و همان‌گونه که از زمینهای شوره زار، جز گیاهان بی ارزش نمی‌روید، محیط آلوده نیز تأثیر منفی و اثرات زیانباری بر تربیت انسان دارد. براین اساس، امام علی(ع) در مذمت اهل بصره می‌فرماید: «اخلاق شما پست، پیمان‌های شما سست، سیره و روشتان دورویی و آب شهرتان شور(بدطعم) است.»(نهج البلاغه، خ۱۳) و در بیانی دیگر فرمود: خاک سرزمین شما بدبوترین خاکهاست؛ از همه جا به آب(سطح دریا) نزدیکتر و از آسمان دورتر است (منطقه پست و پایین) که ۹دهم بدیها در محیط شماست.(نهج البلاغه، خ۱۳) آب تأثیر شگرفی بر جسم و روح انسان دارد، به تعبیر قرآن‌کریم «مایه حیات» همه چیز آب است.(سوره انبیاء، آیه ۳۰) و به بیان امام صادق (ع) طعم آب، طعم زندگی است: از امام صادق (ع) در باره طعم آب پرسیدند، حضرت فرمود: «برای یادگرفتن بپرس، نه برای به دشواری انداختن؛ طعم آب، طعم زندگی است.»(مجلسی، ج۶۶،۱۳۹۲،ص۴۴۷) علامه مجلسی (ره) در تشریح این حدیث می‌نویسد: «مراد از (طعم زندگی) این است که طعم آب با سایر مزه‌ها قابل مقایسه نیست و از بالاترین وسایل برای ایجاد و بقای حیات است؛ پس مزه آب، مزه حیات است.»(مجلسی، ج۶۶،۱۳۹۲،ص۴۴۷) نگاه مسلمانان به آب، نگاهی سرشار از قداست و پاکیزگی و عظمت است، آب وسیله‌ای است که زمینه ارتباط آنان با معبودشان را فراهم می‌سازد. در شریعت اسلام هیچ‌کس نمی‌تواند به راز و نیاز با خدا بپردازد و در آستان مقدس او به نماز ایستد، مگر این که با آب خود را شستشو دهد(حر عاملی ، ج۱،۱۰۳۳ – ۱۱۰۴ ق ،ص۲۵۸) و این شستشو با آب دارای خصوصیات ویژگی‌ای است که اگر درست انجام شود، نام وضو و غسل به خود می‌گیرد. هیچ مسلمانی نمی‌تواند به طواف خانه خدا بپردازد، جز آن که زمینه آن را با آب فراهم آورده باشد و نیز تماس با خطوط قرآن‌کریم جایز نیست، مگر این که قبلاً زلال آب تماس گرفته باشد. آب نه

تنها جسم ظاهری را شستشو می‌دهد، بلکه حالتی روحی و روانی در انسان ایجاد می‌کند و به او تقدس می‌بخشد.(وسائل الشیعه، ج۱،ص۲۷۶) و زمینه‌ساز راه‌یافتن به حریم مقدسات دینی می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «و انزلنا من السماء ماءً طهوراً؛(سوره فرقان،آیه ۴۸) ما از آسمان، آبی طهور فرو فرستادیم.» مفسران در تشریح طهور گفته‌اند: طهور یعنی، بسیار پاکیزه که خود به خود پاک است و غیر خود را پاکیزه می‌کند، چرک را از جسم شستشو می‌دهد و پلیدی‌های روحی را از روان می‌زداید.»(علامه طباطبایی ،۱۳۷۶، ج۱۵،ص۲۲۶،) در روایات اسلامی به مسلمانان توصیه شده است که هرگاه برای تطهیر یا وضو نگاهشان به آب افتاد بگویند: «الحمدلله الذی جعل الماء طهوراً و لم یجعله نجساً؛(وسائل الشیعه، ج۱،ص۱۱۰و ۲۸۲) سپاس خدای را که آب را (طهور) قرار داد (پاک و پاک کننده) و آن را پلید قرار نداده است.» بدین سان، آب با وصف پاک‌کنندگی، چهره‌ای مقدس به خود می‌گیرد که رفتن به حضور خالق یکتا بدون آن میسر نمی‌شود و (و آن‌گاه که آب یافت نشود و یا به دلیلی برای شخص مضر باشد، باید به جای آن بر خاک پاک تیمم کرد.)(نساء،آیه ۴۳ ،سوره مائده،آیه ۶) و تماشای آب، شکر و سپاس الهی را می‌طلبد. افزون بر این، در روایات نگاه به آب جاری توصیه شده و آن را سبب جلای چشم و افزودن روشنایی آن دانسته‌اند. چنان که از امام صادق (ع) نقل شده است: «چهار چیز چهره را روشن و نورانی می‌کند که یکی از آنها نگاه کردن به آب جاری است.»(مجلسی، ج۷۶،ص۲۸۹)و نیز امام کاظم (ع) فرمود: نگاه به آب جاری چشم را جلا داده و به روشنایی آن می‌افزاید.(مجلسی، ج۱۰،ص۲۴۶و ج۵۹،ص۱۴۴) بر اساس این روایات نگاه کردن به آب جاری، خود نقشی به سزا در شادی و انبساط روحی داشته و علاوه بر روشن کردن چشم دل و افزایش بصیرت انسان، دارای تأثیر قابل توجهی در تقویت نور چشم ظاهری است. افزون براینها، برخی آبها، مانند آب باران، آب جوشیده، آب زمزم، آب فرات و ...مورد تمجید بیشتری قرار گرفته و از آثار شگرف آنان بر جسم و روح آدمی اشاره شده است. نقش تربیتی هوا هوا نیز همانند آب یکی از عوامل فوالعاده مهم حیاتی برای زندگی انسان است؛ عامل حیاتی که بدون آن حتی لحظه‌ای زندگی امکان‌پذیر نیست. این عامل حیاتی اطراف زمین را فرا گرفته است و ما اکسیژن مورد نیاز خود را به وسیله تنفس از هوا می‌گیریم. در هوا مقادیر زیادی اکسیژن وجود دارد و گیاهان نیز پیوسته این موجود را تجدید می‌کنند و نمی‌گذارند این ماده حیاتی از اندازه لازم کسر شود. در بیانات معصومان (س) از تأپیر شگرف هوا بر جسم و جان سخن رفته و آثار مخصوص هوای هر فصل بیان شده است. در منابع روایی اسلام به منافع فراوان گرما و سرما در طول سال اشاره شده و نیز در قرآن و روایات «بادها» با اهمیت تلقی شده‌اند. پیداست که باد چیزی جز هوا نیست و اگر هوا حالت وزش به خود گیرد، باد نامیده می‌شود.(. مجلسی، ۱۳۹۲،ص ۱۲۰) امام علی (ع) درباره اثر هوای هر فصل بر انسان فرموده است: «از سرما در آغاز آن (فصل خزان) پرهیز کنید و در پایان آن (فصل بهار) به اسقبال آن بشتابید (در پاییز خود را بپوشانید و در آغاز بهار از لباس‌های خود کم کنید)؛ زیرا تأثیر سرما بر بدنها و درختان یکسان است. اوّل سرما درختان را می‌سوزاند (باعث ریزش برگها و خشکاندن درختان می‌شود و پایان آن می‌رویاند درختان را به برگ و بار می‌آورد).»(مجرد ، ۱۳۸۵،ص ۱۱۴۶) کلام امام درباره تأثیر طبیعت بر جسم و جان آدمی بسیار روشن و صریح است و همان‌گونه که طبیعت بر جسم و بدن اثرگذار است، بر روح و روان بشر نیز اثرگذار می‌باشد؛ حضرت در این بیان حکیمانه به مقایسه بین سرمای پاییز و سرمای بهار پرداخته‌اند گر چه به ظاهر، سرمای ابتدای پاییز و سرمای ابتدای بهار از جهت درجه برودت یکسان می‌نماید و هر دو فصل را فصل اعتدال هوا به شمار می‌آورند، ولی تأثیر این دو کاملاً متضاد بوده و اثری مخالف یکدیگر دارند. این

میثم بحرانی در شرح این مطلب می‌نویسد: پرهیز از اول سرما که ابتدای پاییز است به این دلیل است که تابستان و پاییز هر دو از جهت خشکی (یبوست) مشترک هستند و بدن‌ها با حرارت تابستان خو کرده‌اند؛ از این رو، هنگامی که با سرما مواجه شوند، به سرعت از آن متأثر شده و دو نیروی برودت و یبوست که طبیعت ضعف و فناست در بدن قوی می‌شود و به همین دلیل درختان خشک شده و برگ‌های آنها می‌سوزد و بدن‌ها ضعیف و لاغر می‌شود... امّا سرما در آخر زمستان و طلیعه بهار اثری به عکس دارد؛ زیرا زمستان و بهار در طبیعت رطوبت، اشتراک دارند، ولی زمستان سرد است و بهار گرم و از این‌رو سرمای آخر زمستان با حرارت بهاری ممزوج شده و از شدت سرما کاسته می‌شود و این اعتدال حرارت همراه با رطوبت زمینه مناسبی برای ایجاد طبیعت حیات و زندگی است و سبب رشد گیاهان و به برگ و بار آمدن درختان و تقویت بدن انسان‌ها می‌شود.(شریف الرضی (سخنان حضرت علی(ع))، ۱۳۷۷، ج۵،ص۳۱۱.) ابن ابی الحدید نیز ضمن تأیید سخن بالا، مواجه شدن بدن را با سرمای ابتدای پاییز به انسانی تشبیه می‌کند که ناگهان از مکان بسیار گرم به خانه بسیار سرد وارد شود، ولی مواجهه با سرمای طلیعه بهار، موجب ضرر نیست؛ زیرا بدن با سرمای شدیدتری در زمستان خود گرفته است.(شریف الرضی (شرح نهج البلاغه،ج۱۸،ص۳۱۹) وبسیاری از موارد دیگر که در مورد تاثیر محیط طبیعی در رشد انسان از بزرگان بیان شده است .

در کل آنچه از گفته های بالا در مورد تاثیر طبیعت بر رشد جسمانی و روحانی انسان بر می آید نشان از تاثیر مثبت آن بر رشد مفید انسان است ولی باید در نظر داشت بر طبق گفته ائمه و دین مبین اسلام شرایط استفاده از طبیعت در جهت رشد انسانی رعایت شود و اصول طب اسلامی بر گرفته شده از طبیعت لحاظ شود

به طور قطع یادگیری انسان در صورتی به حد کمال می رسد که رشد او از نظر جسمانی و روحانی به حد کمال برسد.

۳- تاثیر طبیعت بر روی هوش و حافظه انسانی :

واتسن دانشمندی اسعت که فقط محیط طبیعی را عوامل رشد هوشی میداند نقش واهمیت شرایت محیطی ازدیدگاه مکاتب مختلف روانشناسی درتاریخروانشناسیباپژوهشگرانیآشنامی شویم که در مراحل اولیه پیشرفت این رشته، به تاثیر عوامل محیطی بر رفتار توجه کرده اند، مانند هلپاخ آلمانی که حدود ۱۰۰ سال پیش، گسترش بی رویهٔ مکتب «وونت» و پژوهش های آزمایشگاهی را مورد انتقاد قرار داده و به بررسی تاثیر شرایط محیطی بر رفتار پرداخته است. وی داده های محیطی را در سه نوع زیر تفکیک می کند:

ـ **محیط طبیعی:** مانند خاک، هوا ، نور، جنگل و ...، که انسان و رفتار وی را تحت تاثیر قرار می دهد و به وسیلهٔانسان دگرگون می شود.

ـ **محیط اجتماعی:** که موضوع بحث روانشناسی اجتماعی است.

ـ **محیط فرهنگی** : که شامل کتاب ها، کتابخانه ها، قوانین، دولت ها و بناها و شهرها می شود. محیط فرهنگی به وسیلهٔ انسان ایجاد شده و تاریخ را منعکس می کند.

اکنون با پیشرفت روان شناسی محیط بحث و بررسی این گونه نظریه های نسبتاً قدیمی نیز از سر گرفته شده است. «تاثیر عوامل و شرایط محیطی در مکاتب مهم رشتهٔ روان شناسی بررسی اجمالی فرضیه های سه مکتب «روان شناسی عمقی»، «رفتارگرایی» و «گشتالت» که منشأ پیدایش دیگر نظریه های رشتهٔ روان شناسی علمی هستند محیط به سه دوره تقسیم میشود :

*محیط قبل از تولد

* محیط بعد از تولد

*محیط هنگام تولد

آنچه برای ما در این پژوهش اهمیت دارد تاثیر محیط بعد از تولد بر روی رشد انسانی است زیرا ما به بررسی تاثیر طبیعت در فضای مدارس می پردازیم واین همان تاثیر ثانویه طبیعت بر هوش انسانی است تاثیر اولیه در قبل از تولد و هنگام تولد صورت گرفته است به طور کل در زمان مدرسه و تحصیل انسان در حال رشد جسمانی و روحانی است وجود طبیعت وعانصر طبیعی در محیط اطراف باعث تکمیل شدن فراید رشد شده و تقویت حافظه و هوش انسانی را به دنبال دارد

۴- تاثیر طبیعت بر تمرکز و تقویت توجه انسان:

لازمه توجه داشتن فرد حس تمرکز در وجود اوست زندگی جدید و صنعتی، تنوع گراست و تنوع گرایی از جنبه فکری و ذهنی، با «تمرکز گرایی» در تقابل قرار می گیرد.

به عبارت ساده تر، بشر عصر جدید، برای تنوع زندگی اش، بهای زیادی پرداخت کرده است که یکی از آنها، تمرکز فکر و اندیشه اوست.

بدون شک، تمرکز فکر، از لوازم قطعی و ضروری هر کاری، به خصوص دانش افزایی، رشد و کمال علمی است. با تمرکز است که می توان قدرت فوق العاده ای را که در جهات مختلف، پراکنده و متفرق است و ناچیز به نظر می رسد، در یک کانون جمع کرد و به هدف مورد نظر که بدون این تمرکز، دست نایافتنی تلقی می شود، دست یافت.

به این مثال توجه کنید:

زمانی که برگ درخت یا ورق کاغذی را در آفتاب گرم تابستان قرار می دهیم؛ پس از اندکی، سطح و رویه آن اندکی گرم می شود؛ به گونه ای که گرمای آن، برای ما قابل لمس است و بیش از این، چیزی اتفاق نمی افتد؛ اما چنانچه یک عدسی یا ذره بینی را وارد صحنه نموده، نور خورشید را پس از عبور از آن، بر سطح برگ یا کاغذ بتابانیم، لکه نیرومند و درخشنده ای بر آن ایجاد می شود و پس از لحظاتی، شاهد سوختن آن خواهیم بود. در این دو حالت، تنها تفاوت موجود، عامل عدسی یا ذره بین است که توانست اشعه پراکنده خورشید را با ایجاد همگرایی، تمرکز نموده، لکه ای نورانی، کوچک، ولی سوزاننده ایجاد کند که موجب سوختن برگ یا ورق کاغذ می گردد.

از شدت و میزان اهمیت مسئله و اهتمام زیادی که فرد به موضوع دارد، می توان به عنوان نشانه هایی نام برد که در بحث تمرکز فکر، مطرح می باشند. ارشمیدس به همین دلیل بود که به کشف خود درباره، یکی از قوانین طبیعت رسید و حتی گفته اند که چنان غرق در افکار خود بود که متوجه تسلط رومیان بر منطقه «سیراکوز» نگردید. شاید برای ما نیز باور کردنی نباشد که فردی به خاطر شدت و توجه عمیق و تمرکز زیاد بر مسئله ای، تحمل فشار جسمانی او چنان بالا رود که نتواند در زمانی دیگر و در شرایط عادی، آن درد و رنج را تحمل کند. حتماً جریان بیرون آوردن تیر از پای مبارک امیرمؤمنان علیه السلام را شنیده اید یا خوانده اید که در اوج ارتباط با معبود خود و در حالت شدت توجه به خدای متعال، این عمل ممکن شد. این حالت، حکایت از شدت تمرکز فکر و حضور قلب در نماز می کند.

لازمه تمرکز فکر، یکی انتخاب یک فکر از میان افکار گوناگون و دیگری تداوم و استمرار همان فکر، برای مدت دل خواه و مطلوب است. برای چنین امری، هم نیازمند عوامل درونی هستیم و هم عوامل بیرونی ضرورت دارد؛ یعنی هم از درون باید خود انگیختگی وجود داشته باشد و هم از بیرون، محرک های محیطی، زمینه ساز تمرکز فکر شود.

تمرکز فکر، یک امر و پدیده اکتسابی است که با اختیار و تلاش فرد حاصل می شود و نه امری غیر اختیاری و خود به خودی. بنابراین، باید به دنبال شناخت دقیق تر آن و روش های پیدایش و تقویت آن بود تا به نتایج ارزشمند آن، در هر زمینه ای که مطلوب فرد است، دست یافت.

وجود طبیعت و محیط طبیعی باعث آسایش روانی انسان می شود آسایش روانی لازمه به وجود امد تمرکز در وجود اوست .طبیعت استرس در فرد را کم می کند و کم شدن استرس باعث تبدیل شدن محیط به محطی امن برای انسان می شود و انسان در چنین محیطی تمرکز بیشتری دارد وتمرکز کلید توجه انسانن به مسایل گوناگون است

۵- تاثیر طبیعت بر استرس ناشی از محیط (تقویت پاداش ،کاهش اثرات مخرب تنبیه)

روانشناسان معتقدند که محیط اطراف بر سلامت روحی ما تأثیر می گذارد و حضور در طبیعت نقش بسزایی در کاهش اضطراب و استرس دارد. در اینجا توصیه هایی برای ارتباط بیشتر مردم با طبیعت بیان می شود که شما می توانید با بهره گیری از این موارد زندگی آرام و بدون استرسی را سپری کنید.

اگر در محله ای زندگی می کنید که در آن هرگونه آثاری از طبیعت دیده می شود (حتی درختان کاشته شده در اطراف خیابان)، از منزل خارج شده و در آن مسیر پیاده روی کنید. بنابراین در کنار ورزش از نور خورشید هم بهره مند می شوید و اگر هوا آلوده نباشد، می توانید هوای تازه را به ریه هایتان منتقل کنید. اگر استرس و تشویق شما به حدی زیاد است که باعث می شود در منزل بمانید، ابتدا پیاده روی کوتاهی را آغاز کنید. حتی چند دقیقه قدم زدن اطراف منزل می تواند سودمند باشد.

در محیط های مدارس هم طبیعت در کنار محیط آموزشی باعث کاهش استرس مضرر مـی شـود و از طرفـی باعـث افزایش استرس مفید یا دیسترس در کودکان می شود یعنی هم نقش تقویت پـاداش بـا افـزایش اسـترس مفیـد یـا دیسترس را دارد و هم باعث کاهش استرس ناشی از تنبیه می شود

۶- طبیعت و افزایش تجربه انسانی:

تمام فعالیت ها و اقدامات بشر، نمودی در طبیعت دارد و در حقیقت ریشه و بنیاد آن در طبیعت است . براین اساس تمامی نوآ وری های بشر در زمینه علوم و مهارت های زندگی، چیزی بـه جـز کشـف گوشـه ای از طبیعـت نبـوده و چیزی به عنوان اختراع وجود ندارد . آن چه را که ما به عنوان اختراع از آن نام می بریم، در حقیقت همـان کالبـدی کردن نسبتی از مفاهیم و قوانین کلان موجود و جاری در طبیعـت اسـت، کـه از آغـاز پیـدایش جهـان هسـتی و از میلیون ها میلیون سال پیش وجود داشته و در حال تکرار بوده و فقط انسان از آنها بی اطلاع بوده اسـت.وایـن خـود دلیلی خوب برای افزایش تجربه انسانی است پس هر مورد که با طبیعت در ارتباط است تجربه انسان را افزایش مـی دهد .

نتیجه گیری :

برای نتیجه گرفتن از بحث به مرور آنچه در این پژوهش گفته شد می پردازیم در ابتدا تعاریف مختلف در این مورد بیان شد که مهمترین تعریف خود فرایند یادگیری بود و سپس عوامل موثر در یادگیری را بیان کردیم در مرحله بعد به تعریف طبیعت پرداخته شد و ازآنجا که می خواستیم تاثیر طبیعت موجود در مدارس بر فرایند یادگیری را مورد بررسی قرار دهیم تاثیر طبیعت بر عوامل تاثیر گذار در یادگیری بیان شد حال که به پایان پژوهش رسیده ایم می توان گفت :

انسان موجودی تأثیرپذیر است و شخصیت او علاوه بر عوامل ژنتیکی ، تحت تأثیر دو محیط قرار دارد: یکی محیط اجتماعی که شامل خانواده و مدرسه و دوستان می شود؛ و دیگری محیط جغرافیایی که شامل بلندی ها و پستی ها، کوه ها و دشت ها، چگونگی تابش نور خورشید و کیفیت آب و هواست. موقعیتهای جغرافیایی محیط زیست، هر کدام شرایط خاصی را در تن و روان آدمی فراهم می آورند.وجود و فراهم آوردن تمام شرایط در محیطی باعث دلبستگی انسان به ان محیط می شود و دلبستگی باعث اسایش راونی انسان می شود.

در محیطی مانند مدرسه داشتن دلبستگی ورانی کودک به محیط تقویت یادگیری او را باعث می شودو طبیعت یکی از ارکان رسیدن به آسایش روانی در محیط و به طبع ان دلبستگی به محیط است پس می توان گفت وجود طبیعت در محیط مدارس باعث:

۱- افزایش قدرت یادگیری دانش آموزان
۲- رسیدن ّه آسایش روانی در دانش آموزان
۳- ایجاد حس دلبستگی به محیط مدارس

وبه طبع همه موارد بالا باعث نیل به هدف اصلی مدارس که همان آموزش و یادگیری دانش اموزان است می شود

منابع:

۱- قشلاقی، محمد؛ روان‌شناسی یادگیری، اصفهان، مانی، چاپ سوم ، ۱۳۷۸

۲- بی.آر.هرگن‌هان و میتو اچ.انسون؛ مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، علی‌اکبر سیف، تهران، روان، چاپ یازدهم ، ۱۳۸۶

۳- جان رابرت، اندرسون؛ نگرشی جامع بر یادگیری و حافظه، پونه مختاری و علی طیبی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، چاپ اول، ۱۳۸۰

۴- بی آر هرکنهان ،مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، دکتر علی اکبر سیف ، ویرایش هشتم ،۱۳۸۲

_۵- یحیی، سیدمحمدی؛ روان‌شناسی یادگیری، تهران، روان، چاپ دوم،، ۱۳۸۲

۶- محمد، پارسا؛ روان‌شناسی یادگیری، تهران، پیام نور، چاپ چهارم، ، ۱۳۸۵

_۷- ابوالقاسم، اکبری؛ روش‌های مطالعه، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۸۲

۸- سیف، علی اکبر، روشهای مطالعه، انتشارات تهران: رشد، چاپ پنجم، سال ۱۳۷۰

۹- طالب لو، بهارک، روان شناسی یاد گیری، انتشارات بیان دانش، سال ۱۳۸۹

۱۰- ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد، مقدمه ابن خلدون، انتشارات خرسندی، تهران، سال ۱۳۸۹

۱۱- مجلسی، علامه، بحارالانوار، ج۶۶ ، انتشارات : نشر فقه، قم، سال ۱۳۹۲

۱۲- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه: باب طهارت جلد ۱، نسخه خطی،۱۰۳۳ – ۱۱۰۴ ق

۱۳- علامه طباطبایی، محمد حسین، تفسیر المیزان، جلد ۱۵، نشر: بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبائی؛ تهران: رجاء: امیر کبیر، سال ۱۳۷۶

۱۴- ابی طالب، علی بن، شرح نهج البلاغه، جلد ۵ ، گرد آورنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، شارح: موسوی، عباس علی، ناشر: دار الرسول الاکرم صلی الله علیه و آله، بیروت- لبنان، سال ۱۳۷۷

۱۵- مطهری، مرتضی، فطرت، تهران: انجمن اسلامی دانشجویان دانشکده عمران (مدرسه عالی ساختمان)، سال ۱۳۶۲

۱۶- السون، بی آر هرگنهان، مقدمه ای بر نظریه های یادگیری، ترجمه و افزوده ها از علی اکبر سیف ویراست ۸ ، تهران: نشر دوران، سال ۱۳۹۰

۱۷- اندرسن، جان رابرت، نگرشی جامع بر یاد گیری و حافظه، تالیف: جان روبرت اندرسون؛ مترجمین: مختاری، پونه، طیبی با نظارت حسن عشایری، تهران: دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، سال ۱۳۸۰

۱۸- کمال الدین هیثم بن علی بن میثم بحرانی، شرح نهج البلاغه، قم، انتشارات دفترتبلیغات، ج۵،ص۳۱۱.

۱۹- مجرد، مصطفی، فیض الاسلام، کیهان فرهنگی، سال ۱۳۸۵